

نقد و بررسی تطبیقی منابع اسلامی و غربی در باب کتیبه‌های اردشیر بابکان

سید اصغر محمودآبادی - صادق آینه‌وند

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران

چکیده

چهره اردشیر بابکان به عنوان بنیانگذار دولت ساسانی در همه دوران طولانی تاریخ این سلسله نه تنها فراموش نشد بلکه در سه مرحله تاریخی درخششی نوین یافت و به شکل پستوانه‌ای فرهنگی و سیاسی باعث قوام و دوام دولت ساسانی گردید.

در مرحله نخست تصاویر و نوشته‌های او بر سینه کوهستان‌های پارس و در کنار گورگاه‌های شاهنشاهان هخامنشی نوعی تداوم مستقیم را بین دولت هخامنشی و دولت ساسانی عینیت می‌بخشد. این تداوم شامل شرایط ویژه‌ای بود که دولت ساسانی در همانند سازی خویش با دولت هخامنشی پدید می‌آورد. از قبیل تمرکز سیاسی، برخورداری از فرد ایزدی، سلطنت موروثی، ایجاد ارتش، توسعه مرزها و ...

در مرحله بعدی که شامل بخش پایانی نظام ساسانی است جنبش فرهنگی جدیدی پدید می‌آید که نگاهی به گذشته دارد و تلاش می‌نماید افکار و نیات بنیانگذار دولت ساسانی را به شکلی نمایان در معرض دید بزرگان و شاهزادگان ساسانی قرار دهد و از اردشیر، چهره‌ای مذهبی، پیش‌نگر و اندرزگر به آیندگان بنماید تا بتوان مشکلات موجود را از دیده‌گاه وی مطرح و حل نمود. خدای نامه‌ها، گاهنامه‌ها، اندرز نامه‌ها مربوط به این عصر می‌باشند. در آخرین مرحله اردشیر ساسانی در نگاه مورخان اسلامی به پایمردی ترجمه کتب ساسانی، در پرورش از

اسطوره و حماسه قرار می‌گیرد و سرانجام در نامهٔ تنسر به چهره‌های فناناپذیر مبدل می‌شود و به عنوان مظهر ارادهٔ ملی، پیشوای حکمت و تدبیر سیاسی و ... معرفی می‌گردد.

در این گزارش سعی می‌شود پیوند این سه مرحله با عنایت به نقش بسیار مهم کتیبه‌ها به عنوان یافته‌های نوین تاریخی - مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی

کتیبه‌های شاهان ساسانی - قداسات مذهبی اردشیر - قرینه بودن کتیبه‌ها - مشروعیت

قدرت

مقدمه

یکی از نکات مهمی که از دیدگاه نویسندگان اسلامی پوشیده مانده است کتیبه‌های ساسانی و اهمیت آنها برپژه در تحولات سیاسی و نظامی و حتی اعتقادی دولت ساسانی می‌باشد که ظاهراً به چند علت از نظرگاه تاریخی محققان اسلامی دور مانده است.

نخست اینکه نویسندگان و محققان تاریخ ایران اسلامی دیدگاه کلی و مطلوبشان در مورد تاریخ ایران پیش از اسلام کتب ساسانی می‌باشد.^(۱) که برخی از آنها بوسیلهٔ ترجمهٔ این آثار از زبان فارسی میانه به عربی در دسترس آنان قرار می‌گرفت. مانند آثاری که ابن مقفع^(۲) و خاندان نوبخت و برامکه و برخی علاقه‌مندان و نویسندگان از فارسی میانه به عربی ترجمه نمودند. البته

۱- خدای نامگ‌ها، آیین نامگ‌ها، تاج نامگ‌ها، زیج نامگ‌ها، گاهنامک‌ها و مزدک نامه.

۲- روزبه پوردادویه (۱۲۵-۱۵۹) متولد شهر جور فارس (فیروز آباد) عربی عبدا...بن المقفع از دانشمندان و مترجمان بزرگ روزگار خود است و این ندیم در الفهرست او را (بلغاء عشره ناس) نامیده است. آثار ابن مقفع به سه گروه تقسیم می‌شود: نخست آثاری که برای معرفی فرهنگ ایران به خلافت عربی ترجمه شده است که خدای نامگ‌ها (سیر الملوک) در این قسمت است. دوم آثاری که وی برای معرفی فرهنگ یونانی ترجمه نمود. عمدهٔ آنها در زمان انوش روان به پهلوی ترجمه شده بود و بدین ترتیب نخستین آشنایی اعراب با آثار فلاسفه یونانی از طریق تراجم ابن مقفع انجام گرفت و سوم آثاری که خود ابن مقفع نوشت مانند ادب الکبیر و با دره الیتمه و ادب الصغیر و رساله الصحابه. ن. ک. ضحی اسلام (پرتو اسلام) احمد امین مصری ج ۲. ص ۳۰۱. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۹۵. همچنین برای اطلاع بیشتر دربارهٔ این خاندان ن. ک. به شرح حال ابن مقفع و کتاب خاندان نوبختی از شادروان عباس اقبال و نیز ن. ک. محمدی - محمد. تاریخ و فرهنگ ایران، نشر پردان تهران ۱۳۷۲ ص ۱۷۸-۱۸۰.

باید اذعان نمود که توجه خلفای اموی و عباسی به ترجمه این آثار صرفاً کنجکاوی محض نبوده بلکه فرایند قدرت سیاسی و اداری و روشهای کشورداری ساسانیان نیز مورد توجه آنان قرار داشته است.

ابن ندیم بغدادی فهرستی انبوه از نامه‌های نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی را که در دربار امویان شام و عباسیان دست به کار ترجمه کتاب و منابع ساسانی زده‌اند، آورده است. (۱) مطالعه فهرست ابن ندیم بیانگر این واقعیت است که نه تنها خلفا بلکه فرمانروایان سیاسی - اداری سرزمین ایران و عمدتاً حکام عرب در اداره امور خویش از دبیران عصر ساسانی استفاده می‌نموده‌اند، بلکه برخی از آنان دستور ترجمه کتب ساسانی را برای روشن‌تر نمودن روشهای اداری و مالی نیز صادر کرده‌اند. (۲)

نکته دوم آنکه بسیاری از نویسندگان اسلامی در هنگام بررسی و تعمق در تاریخ ایران پیش از اسلام به طور غیر مستقیم از ترجمه خدای نامه‌ها (سیرالملوک = سیرة الملوک الفرس) و سایر کتب استفاده می‌نمودند و برخی از آنان نیز مطالب تاریخ ایران پیش از اسلام را - به اختصار - از نویسندگان قبل از خود اقتباس می‌نمودند که در این آثار نیز صحتی از کتیبه‌های شاهان ساسانی نشده بود.

سومین مورد عبارت از بینشی است که نویسندگان و محققان ایرانی در برابر سلطه عرب و قدرت خلفای اموی در پیش گرفته بودند و آن حرکتی بود که در تاریخ جنبش شعوبیه نام گرفت.

شعوبیت^(۱) یعنی تعصب نژادی و قومی. شعوبیه ایرانی و عرب هر کدام قوم و نژاد

۱- اشاره به آیه شریفه قرآن و یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر همچنین نصر بن سيار امير اموی خراسان به هنگامیکه شهر مرو بوسیله ابو مسلم خراسانی (۱۳۱ هـ) به محاصره در آمده بود برای تهییج اعراب به مقابله با ایرانیان در شعری در تکیه شعوبیه (او ابو مسلم و بارانش را شعوبی می‌دانست) عمق تعصب و خصومت خود را نشان می‌دهد. وی می‌گوید:

قد ما یدینون دیناً، ماسمعت به
عن الرسول و لم نزل به انکتب
فمن یکن سانلاً عن اصل دینهم
کسان دینهم! این تفتل اعراب

یعنی دین آنها و شعوبیان ایران دین کهنی است که از پیمبر چیزی در باره آن نشنیده‌ایم و کتابی بر آن نازل نشده است و اگر بخواهید ریشه این دین را از ما بپرسید، پاسخ این است که دینشان کشتن عرب است.

ن - ک: ضحی الاسلام (ترجمه فارسی، پرتو اسلام) ج ۲ و نیز کتاب حماسه‌های ایرانی، دکتر صفا و کتاب سبک شناسی بهار ج ۱.

خویش را بر دیگری رجحان می‌دادند و در ثعالب و معایب یکدیگر سخنان تند و نیز می‌گفتند و لذا با توجه به این بینش، ایرانیانی که به زبان عربی آشنا بودند برای نشان دادن مفاخر گذشته خود آثار باقیمانده عهد ساسانی را به عربی ترجمه کردند.

از طرف دیگر، نویسندگان و مورخان اسلامی عموماً - از زادگاه و پایگاه اولیه ساسانیان یعنی سرزمین پارس که در نقاط مختلف آن سنگ نوشته‌ها، مقابر و تصاویر و خطوط شاهان پارسی و به ویژه ساسانیان را بر سینه و پیشانی کوهستانهایش نقر شده بود آگاه نبوده‌اند.^(۱)

معدوی مورخ و جغرافیدان مشهور اسلامی که در قرن چهارم میلادی و به هنگام نوشتن کتاب الثنیه و الاشراف از شهر استخر، پایگاه اصلی ساسانیان دیدن می‌نموده است اشاره‌ای به کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌های ساسانی نکرده است و صرفاً از کتابی که در اختیار یکی از بزرگزادگان ایرانی در شهر استخر پارس بوده است - به سال سیصدوسی هجری - صحبت میکند. معدوی (۳۴۵-۲۸۰هـ) می‌نویسد: «این کتاب بزرگ شامل علوم و اخبار و بناها و تدبیرهای ایرانیان بود و من پیش از آن چیزی از آن را در کتب دیگر چون خداینامه‌ها، آیین نامه‌ها و غیره ندیده بودم و اضافه می‌نماید در این کتاب تصویر بیست و هفت تن از ملوک ایرانی از خاندان ساسانی بیست و پنج مرد و زن - وجود داشت و هر یک را به روز مرگ - پیرو و جوان - بازپور و تاج و ریش و چهره تصویر کرده بودند - با ذکر سرگذشت آنان - و تاریخ کتاب چنان بود که در نیمه جمادی الاخر یکصد و سیزدهم هجری از روی اسناد و خزاین ملوک ایران نوشته شده است و برای هشام بن عبدالملک (۱۲۷-۱۰۵هـ) از پارسی به عربی در آمده بود. (۳)

بجز منابع پاورسی کهن و علایق نویسندگان اسلامی به مطالعه آثار پیش از اسلام برای شناخت بهتر تحولات عصر ساسانی و به ویژه بخش آغازین آن توجه به کتیبه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. (۴)

این کتیبه‌ها از سه جهت اهمیت دارند. نخستین و مهم‌ترین آنها به این دلیل است که به دانش ما درباره ساسانیان اولیه می‌افزایند. چون بعضی از آنها نام مقامات علی رتبه دربار شاهنشاهی را همراه با عناوین و وظایف ایشان ذکر می‌کنند.

۱- به نوشته تنسر: در عهد ساسانیان برخی از آثار دینی را بر دیوارهای سنگی می‌نوشتند. ن- ک: میتوی، نامه نسر

دوم از آن رو که از شاهان و عناوین آنها به زبان و لحنی سخن می‌گویند که گویی پادشاه، مقامی میانجی و شفیع است میان خداوند (اورمزد) و اتباع سلطنت و سوم به آن دلیل که برخی از آنها را می‌توان به عنوان کارنامه تلقی نمود. بنابراین در ارتباط با منابع رومی و غربی - به ویژه - حالتی اصلاحی و تعدیلی دارند.

ناگفته نماند که در این کتیبه‌ها، تصویری که شاه از خود ارایه می‌دهد، فوق العاده یک جانبه است. همچنین وی مدعی داشتن روابط معنوی با (نیاکان) خویش و خدایان است و سعی میکند که مشروعیت مقام شاهانه خود را نسبت به جهان خارج اثبات نماید. (۵)

کتیبه‌های اردشیر

از اردشیر ساسانی، چند کتیبه در سرزمین پارس باقی مانده است. یکی از آنها، همراه با نوشته‌ای به سه زبان: فارسی میانه، پهلوی (پارتی) و یونانی، در نقش رستم پارس، از او باقی است. این نقش که یکی از سالم‌ترین نقوش بجا مانده از ساسانیان در نخستین روزگار آنتن است، دارای ویژگیهای خاصی است و این ویژگیها دارای پیام‌های تاریخی بسیار مشخصی هستند که در خلال آن می‌توان سیر رویدادهای تاریخی، سیاست و نوع اندیشه، جهت گیری‌های معنوی، عظمت مقام و قداست را به شیوه‌ای نمادین به صورتی بسیار روشن دریافت نمود. (۶) در این نقش برجسته، شاهنشاه اردشیر یکم و اهورامزدا که حلقه شهر یاری را به شاهنشاه تفویض می‌کند. (۷) هر دو سوار بر اسب تصویر شده‌اند. زیر پای اسب اردشیر، اردوان پنجم - آخرین شاه برافراشته اشکانی - و در زیر سم اسب اهورامزدا، اهریمن بشظر می‌رسند. جنبه عناوین این نقش، کاملاً روشن است. در این تصویر، پیروزی اردشیر بر اردوان، همپایه پیروزی اهورامزدا بر اهریمن جلوه گر شده است و فرمانروایی اردشیر بر ایران، به یاری ایزد بزرگ زرتشتیان، جنبه الهی به خود می‌گیرد.

نوشته‌های سه زبانه در معرفی اردشیر، در واقع یک متن است به سه زبان^(۱) که بر نوشته فارسی میانه نقش فرادینی و قدرتمندانه سیاسی اردشیر را در حکومت ساسانی با متن ذیل مشخص می‌سازد:

«این پیکره خدایپرست، اردشیر، شاهنشاه ایران (است) که چهره (نژاد) از یزدان دارد، پسر بغ مزدا پرست، پاپک شاه».

در این بیان که بر پیشانی کوهستانهای پارس (استخر=شهر اصطخر) نگاشته شده است، این اندیشه ایرانی را و در باب (تایید الهی) پادشاهان بیان می‌کند که خود از ریشه‌ای بسیار کهن‌تری سرچشمه می‌گیرد. این اندیشه و اعطای سلطنت الهی به صورتی (دراماتیک) نیست بلکه یک معنای رمزی و سحری دارد و در آن نقش، دو پهلوان (خدایوشاه) روی سر یک دشمن فرو افتاده پای نهاده‌اند. این نقش نشان می‌دهد که (اردوان اشکانی) از (اردشیر ساسانی) شکست خورده و مغلوب شده است و بیانگر آغاز دوران تازه‌ای است که در آن اردشیر به عنوان مظهر الهی از طرف (اهورامزدا) به قدرت کامله سلطنت و شاهنشاهی مطلقه‌ای برگزیده شده است. (۸)

در ترکیب این نقوش تماماً تقابل رعایت شده است. (۹) در هنر عصر هخامنشی نیز فکر قرینه‌سازی همچنان قوی بوده است. چنانکه در تصویر برجسته داریوش اول هخامنشی در بیستون کرمانشاهان نیز، شاهنشاه در مقابل یاغیان، در حالیکه پابریکر (گئوماتای خائن) (۱۱) نهاده است ایستاده و تصاویری (سمبولیزم)، چون (فروهر) و (مهر) گواهان ایزدی ورجاوند و جاوید این پیروزی تعیین کننده هستند. (۱۰)

پیش از داریوش هخامنشی نیز، نظیر چنین قرینه‌سازی هنری - همانندی قدرت سلطنت و مذهب - در نقش برجسته واقع در سرپل ذهاب (در غرب ایران) و در کتیبه (انوبانی نی) (۱۲) شاه کشور (لولوبی) (۱۳) به همراه الهه (نانا) (۱۴) به شکلی نمادین بر کناره جاده کوهستانی نقش شده بود. در این نقش نیز، شاه منطقه کوهستانی، در برابر گروهی از اسیران برهنه دست بسته قرار گرفته و الهه نانا حلقه‌ای از قدرت را به او می‌بخشد. (۱۱) در این قبیل نقوش، علاوه بر جنبه‌های مذهبی و قدرت خداداد سلطنت، سعی می‌شود رابطه خدایان و شاهان را به صورتی مستقیم به بیننده القاء کند. در هنر ساسانی و در تفهیم این قبیل نقوش نمادین، به جنبه‌های سیاسی نیز توجه گردیده و در ارائه نقوش علاوه بر آن سعی شده نقش مذهبی و معنوی فراقدرتی شاه ساسانی را بیان نماید.

1- Gamatamagus

2- Annubanini

3- Lulla(lulubi)

4- inninna (Nana)

این نقوش نوعی تفکر سیاسی را که واکنشی است شرقی علیه (هلنیسم) القاء می‌نماید. اندیشه‌ای که از زمان حضور اسکندر تا ظهور اردشیر در ایران در مظاهر مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دیده می‌شود و ساسانیان سعی در زدودن آن داشتند.

با توجه به سیر مبارزات اردشیر اول علیه دولت اشکانی - از آغاز قرن سوم میلادی - تا براندازی آن به سال ۲۲۴ میلادی - و انعکاس تطبیقی آن در کتیبه‌های ساسانی در طول زمان سلطنت اردشیر اول (۲۴۲-۲۲۴ م)، چند تصویر از بنیادگذار این سلسله در کوه‌های پارس نقش گردیده است که هر کدام از آنها، نمایانگر بینشی خاص نسبت به شرایط موجود می‌باشد. در نقش رستم تصویر شاه در برابر خدا (=هورا مزدا) قرار می‌گیرد. این تصویر نمونه جامع حکومت نظام ساسانی می‌باشد و جنبه‌های الوهیت و قداست شاه به عنوان نماینده بی واسطه و عامل قدرت الهی در روی زمین و دارنده حق مشروع سلطنت - با نوعی افکار پیش بینی شده علیه رقیبان احتمالی - به چشم می‌خورد. از اوایل ساسانی، حدود بیست پیکره سنگی به دست آمده است که به استثنای دو صورت، نقش اردشیر در مغرب دریاچه ارومیه و نقوش طاق بستان نزدیک کرمانشاه، بقیه آنها در استان پارس واقع شده‌اند. تنها تصویر منحصر به فرد خسرو دوم (پرویز) و در بار او در طاق بستان کرمانشاهان در حدود اواخر قرن ششم میلادی ترسیم شده است و بقیه نقش برجسته‌های سنگی مربوط به دهه‌های اول قدرت ساسانیان می‌باشد و از آغاز رسمیت این دولت تا حدود اوایل قرن چهارم میلادی را در بر می‌گیرد. دوران تحول این نقوش در سرزمین پارس، از عصر اردشیر اول آغاز شده و تا زمان بهرام اول (۲۷۶-۲۷۳ م) به اوج خود می‌رسد و از زمان بهرام دوم به بعد (۲۹۳-۲۷۶ م) در ارایه این تصاویر نوعی سکون نمایان می‌شود.

بزرگترین نقش دوران ساسانیان، به ابعاد $2/3 \times 4/5$ متر مربع در فیروز آباد پارس و در کناره رود تنگاب به دست آمده است. در این نقش سه صحنه به صورت پیوسته و در کنار هم ردیف شده‌اند.

در صحنه اول، اردشیر با زره سنگین (زره فلزی یک تخته) با نیزه‌ای در دست، اردوان پنجم اشکانی را از اسب سرنگون می‌سازد. در صحنه دوم شاپور (فرزند اردشیر) با زره سنگی (همانند پدرش) و کلاه خودی با سرشیر، با نیزه‌ای، یک فرمانده پارتی را - که گویا دازبندر

وزیر اردوان است - بر زمین می‌زند و در نقش سوم یک فرمانده ساسانی (احتمالاً ایران سهابد) بر یک افسر پارتی پیروز می‌شود.

در این تصویر، یک واقعه تاریخی به صورت (دراماتیک) ضبط شده است و دو تأثیر در ذهن بیننده باقی می‌نهد. اول آنکه هنر بکاررفته در اثر تاریخی، فاقد مشخصات عصر (هلنیسم) می‌باشد، که خود نمایشی است از علاقه‌مندی ساسانیان به ابداع هنر ملی و نکته دوم آن است که چنین واقعه‌ای به صورت عملی و هم زمان رخ نداده است. بلکه تصور چنین پیروزی را که نشانهٔ فنای قدرت اشکانیان است - در برابر نیروی اندیشهٔ اساطیری مردم آن به نمایش نهاده می‌شود. (۱۲) درست همانگونه که داریوش یکم هخامنشی، هفت قرن قبل از این تاریخ، در نقش برجستهٔ صخره بیستون، پای خود را بر سینهٔ (گوماتای) مغلوب نهاده بود. (۱۳)

نقش برجستهٔ فیروز آباد هر چند فاقد نوشته است و لکن تصاویر آن نمودارهای واقعیت تاریخی زمان را بیان می‌نماید.

تصویر دیگری که از اردشیر به دست آمده است در نقش رجب پارس (اصطخرپارس) در فاصله کوتاهی از شمال ویرانه‌های تخت جمشید واقع گردیده است که بر اساس احتمال قدیم ترین تصویر ساسانیان در کوه‌های ایران زمین می‌باشد.

در این تصویر تجسم سلطنت خدا داد اردشیر، بر سینه کوه نقر شده است. اهورا مزدا در سمت راست، حلقهٔ شهرباری را به سوی اردشیر تقدیم کرده است. شاه و خدا هر دو پیاده هستند.

چند نکته در این تصویر به چشم می‌خورد، یکی آنکه فرزندان اردشیر و خانوادهٔ او و دو تن از بانوان حرم - احتمالاً بانوان بانو ملکه دینک - در این محل حضور دارند که بیانگر قداست خاندان شاهی است، دیگر آنکه در پشت اردشیر، نمایندهٔ دودمان (کارن = قارن) که از نشانهٔ کلاهدش تشخیص داده می‌شود قرار گرفته است و این امر بیانگر مسأله‌ای است که علیرغم گزارش‌های تاریخی که متذکر شده‌اند اردشیر با این خاندان - به دلیل حمایت آنها از اشکانیان - رفتاری خشن و سرکوبگرانه داشته است، با این همه، حضور نمایندهٔ این خاندان در تصاویر نخستین ساسانی - احتمالاً - علامت اختلافی است که بخشی از این خاندان که با اردشیر از در مسالمت درآمده بودند با بخش دیگری از آنان که به شدت سرکوب گردیدند، داشته‌اند. نکتهٔ دیگری که در مورد نقش برجستهٔ خاندانی اردشیر یکم در نقش رجب واقع در شهر

اصطخر باید اضافه شود این است که در این تصویر سنگی، چهره شاپور به عنوان ولیعهد و همچنین در سمت راست - چنانکه گذشت - چهره ملکه دینک تشخیص داده شده‌اند. در عین تصویر شاه و خدا چهره دو کودک هم نقش شده است. قرار گرفتن این دو کودک در زیر حلقه تقویض قدرت، نمادی بر حمایت دینی و معنوی فره ایزدی از آنان می‌باشد. (۱۴) تصویر اردشیر و خانواده او در نقش رجب (اصطخر) ^(۱) به وسیله باستانشناسانی چون فلاندن ^(۲)، کوست ^(۳) دیولافوا ^(۴) زاره ^(۵) و هر تسفلد نیز تشخیص و به تأیید آنها رسیده است.

در این نقش برجسته، علاوه بر آنکه اهورامزدا قدرت معنوی خویش را به اردشیر اعطا می‌نماید و او را به عنوان نماینده زمینی خود معرفی می‌کند، حضور اعضای خاندان سلطنت نیز در این تاج بخشی حایز اهمیت است و بیانگر این حقیقت می‌باشد که نه تنها شاه از قداستی معنوی برخوردار است بلکه فرزندان بلافصل و اعضای اول خاندان همچون ولیعهد، ملکه و شاهزادگان طراز اول نیز از چنین لطف و مرحمت اهورایی برخوردار هستند.

در ذیل این تصویر نوشته‌ای از اردشیر آمده است به این مضمون: «دین زرتشت از میان رفته بود من که اردشیرم آن را احیاء نمودم.» (۱۵)

تصویر شاپور اول در کتیبه تاج گذاری اردشیر - نقش رجب اصطخر - که به گسان دانشمندان، اولین کتیبه او پس از پیروزی بر اردوان پنجم است بسیار در خور توجه است و از این

۱- اسم اصطخر را اعراب مسلمان بر شهری نهادند که در زمان ساسانیان، یونانیان آن را (پرسپولیس) می‌نامیدند. این شهر به مسافت اندکی در باختر خرابه‌های کاخ بزرگ و معروف هخامنشیان و صفا پهناور آن قرار داشت. ن - ک لستریخیسی (Lestrangle. Guy) جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۳ ص ۲۰۶.

همچنین به گفته دینوری در اخبار الطول ص ۶۸ اردشیر در شهر اصطخر ظاهر شد. همچنین ن - ک اوهارتولد؛ تاکره جغرافیای تاریخی ایران ص ۱۷۲ که می‌نویسد: اصطخر در زمان ساسانیان عمده‌ترین شهر فارس بود و اردشیر قصر نمود را در جنوب این ولایت بنا نمود و حجاری برجسته‌ای را که عبارت از مسورت غلبه اردشیر بر اردوان اشکانی است، در همین ناحیه قرار دارد. در همین فتح بود که او را شاهنشاه ساخت و این محل نقش رستم نام دارد.

2- i.Fladin

3- P.CosTe

4- Heulafay

5- Fr. Sarre

امر مهم نشان دارد که شاه اردشیر در زمان حیات خویش، شاپور را که در جنگ هرمرگان رشادت به خرج داده بود - به جانشینی خویش انتخاب نموده بود. (۱)

در این مورد ثعالبی نیز مطلبی دارد و می‌گوید که: چون فرزند او (اردشیر) به سن رشد و تمیز رسید او را ولیعهد خویش خواند تا پس از وی جایگزینش گردد و آنچه در خاطر داشت او را آموخت و هیچ از پند دادن به او [شاپور] دریغ نکرد. (۱۶).

انتخاب شاپور به زمامداری ایران در زمان حیات اردشیر، نشانه‌ای از قدرت تصمیم‌گیری و استقلال رأی شاه را دارد. در نامه تنسر این واقعیت تکذیب شده است و انتخاب ولیعهد را - پس از مرگ شاه و به موجب وصیت او - به عهده شوریایی مرکب از سه شخصیت (ایران دبیربذ)، (ایران سپاهبد) و (موبدان موبذ) نهاده است. (۱۷)

اردشیر در کتیبه شاپور اول در نقش رستم

در یک مأخذ فارسی میانه به نام کارنامک اردشیر بابکان آمده است که ساسان شبان پاپک شاه بود که در شهر استخر (اصطخر در منابع عربی) نزدیک تخت جمشید فرمانروایی می‌کرد. ساسان از تخمه هخامنشیان و دارای داریان (داریوش سوم = کدمان) بود ولی این راز را پنهان نگاه می‌داشت تا اینکه، پاپک خوابی دید که آن را معبرین چنین تعبیر کردند که پسر ساسان روزی فرمانروای جهان خواهد شد. پاپک دختر خود را به زنی ساسان داد و از این پیوند اردشیر زاده شد. (۱۸) همین داستان را فردوسی در حماسه ملی خود شاهنامه آورده است. (۱۹) (۲) و چنین می‌نماید که این داستان را همگان باور داشتند زیرا آگاثیاس (۳) که در قرن

۱- اشاره نامه تنسبر این امر است که اردشیر در زمان حیات خویش ولیعهد را انتخاب نمود: "شهنشاه را مانع چه آمد از آنکه ولیعهدی بعد خویش تعیین نمی‌کند؟ جواب بداد که در این امر مفسده پدید خواهد آمد." ن - ک: مینوی، نامه تنسر به گشتب ص ۷۳.

۲- سرانجام گفت ای سرافراز شاه

کسی را که دیدی تو ز نیسان بخواب

به شاهی برآرد سر از آفتاب

ورایدون که اینخواب ازو بگذرد

پسر باشدش کزجهان برخوردار

چو بابک شنید این سخن گشت شاد

براندازه شان یک بپک هدیه داد

ششم می‌زیسته است در تاریخ خود داستانی را ارایه می‌دهد که اندکی با آنچه گذشت تفاوت دارد. وی پاپک را اختر شناس معرفی می‌نماید و ساسان را سربازی که میهمان پاپک بوده است. پاپک همسر خویش را به ساسان عرضه میکند و از او اردشیر پدید می‌آید. سالها بعد، هنگامیکه اردشیر بر تخت شاهی نشسته بود دو پیر کهنسال پیکار کردند و داوری را نزد اردشیر که پسر پاپک ولی از پشت ساسان بود بردند.^(۱) (۲۵) این اختلافات در نسب شناسی اردشیر تا زمان کشف کتیبه سه زبانه مشهور شاپور اول در کعبه زرتشت پارس که برای تبار ساسانیان، هماعتد کتیبه پارسی بیستون است ادامه داشت.^(۲) در این کتیبه، فهرست درباریان اردشیر اول و برخی از افراد طراز اول خاندان او آمده است از جمله اینان مادر پاپک (دینک)، مادر اردشیر (روتکه)، همسر اردشیر یا خواهر او؟ (دینک)، بیدخش و هزار بذ^(۳) می‌باشند.

باین ترتیب ما با واژگانی از افراد مورد احترام خاندان ساسانی که در عهد شاپور اول از آنان به نیکی یاد شده است روبرو هستیم. همچنین در این مأخذ جدید و تازه یافته، فهرستی از نام‌ها و مقام‌های بزرگان دربار نخستین شاهنشاه ساسانی آمده است که نشان می‌دهد در زمان شهریاری اردشیر، فرمانروایان مناطق شرقی ایران، به طور رسمی به اطاعت او در نیامده بودند بلکه با حفظ حقوق و وابستگی به دولت مرکزی در زمرة استان‌های دولت نو بنیاد ساسانی درآمده‌اند. در این کتیبه از ساسان با عناوین (بزرگ) و (نای شاپور) یاد شده و از پاپک با عنوان پدر بزرگ شاپور اسم برده شده است.

۱- خیر داستان حماسی، ساسان را پدر اردشیر می‌شناسد و کتیبه نقش رستم و اثر طبری پاپک را پدر اردشیر معرفی می‌کنند، که می‌توان میان گزارش حماسی که ساسان را رهگذری با فزه کیانی معرفی می‌کند و گزارش طبری که ساسان را پدر پاپک می‌شناسد یکی را انتخاب نمود، اما گزارش طبری مشکوک است زیرا وی تبار اردشیر را به دارای داراین می‌رساند.

۲- کتیبه سه زبانه شاپور اول به سال ۱۹۳۶ م (۱۳۱۶ هـ) توسط یک هیأت باستانشناسی از دانشگاه نیپکا گوبه سرپرست دکتر اریک اسمیت کشف گردید.

۳- اسامی دیگری با عناوین نظامی چون: رئیس گارد شاهی، رئیس گارد جاویدان، رئیس زرادخانه، عناوین اداری چن، دبیر، بزرگ دادستان، رئیس تشریفات، آخوربذ، نخجیربذ، شراب دار نیز در فهرست کتیبه موجود است. این فهرست تصویری از یک دربار پیشرفته را نشان نمی‌دهد ولی نکته جالب اینکه در بین عنوان‌های رسمی درباری حتی از یک عنوان مذهبی نیز یاد شده است. نک. نوکونین: تمدن ایران ساسانی ص ۶۲

نام مادر اردشیر نیز (دینک - دناک) نوشته شده ولی اشاره‌ای به اینکه او باساسان پیوند زناشویی بسته نگردیده است و از ساسان همچون پدر بزرگ اردشیر هم یادی نشده است. بنابراین حتی - در این کتیبه هم - گونه‌ای تاریکی در باره پیوند درست میان ساسان و پاپک وجود دارد. (۲۱)

همچنین، کتیبه شاپور اول در نقش رستم، ساسان را (بزرگ) پاپک را با لقب (شاه) عنوان نموده است و این در حالی است که اردشیر در کتیبه نقش رستم - آنجا که در مقابل اهورا مزدا قرار گرفته است پاپک را با لقب دینی (بغ. شاه) خوانده است و این خود نشان می‌دهد که پاپک دارای پایگاه دینی بوده و تفاوت‌هایی میان القاب او و نوادگانش (اردشیر و شاپور) موجود است و از طرفی نمی‌توان درک نمود چرا لقب (مزدیسن) را بر نام پدر بزرگ (پاپک) نیفزوده‌اند؟ بنابراین علیرغم تفاوت‌هایی که در متن کتیبه شاپور دیده می‌شود با آن می‌توان برخی از نگرش‌های تاریخی را تصحیح نمود.

آخرین تصویر سنگی اردشیر، نقش برجسته پیروزی او امپراتور روم (گوردیان سوم)^(۱) در دارابگرد پارس می‌باشد. در آغاز تصور می‌شد که این نقش متعلق به شاپور اول می‌باشد. اما تحقیقات بعدی نشان داد که این نقش به هنگام پایان پادشاهی اردشیر و یاد آغاز شاهی شاپور یکم و پیش از تاج‌گذاری او (ماه‌های مارس - آوریل ۲۴۲ م.) پدید آمده است. (۲۲) در این نقش شاهپور قصد داشته است نخستین پیروزی خویش را بر گوردیان سوم امپراتور روم که در زمان حیات اردشیر و به هنگام کناره‌گیری او از سلطنت رخ داده است به علامات سپاس از بنیانگذار دودمان ساسانی به نام او ثبت نماید. (۲۳)

نکات عمده تاریخی از کتیبه‌های اردشیر اول ساسانی

براندازی نظام اشکانی به دست اردشیر اول، در آوریل ۲۲۴ - میلادی - به ظاهر - با کشته شدن اردوان پنجم قطعیت یافت و پیروزی اردشیر بر آخرین شاه اشکانی که یک پیروزی نظامی بود در آغاز، راه را برای تسلط بر تخت و تاج اشکانیان باز نمود، اما بروز مشکلات فراوانی که اردشیر برای نیل به هدف با آنها روبرو می‌شد، امکان دسترس سریع را بر تمامی

امکانات اشکانیان به سادگی میسر نمی‌ساخت. ^(۱) عدم اعتماد به اشراف دودمانی - بقایای نظام اشکانی و علیرغم اظهار بی طرفی آنان - تلاش برای ایجاد روحیه ملی و یکپارچگی مذهبی و تمرکز سیاسی که تا آن زمان در ایران به شکلی که مورد علاقه اردشیر بود پدیدار نشد مسأله ارمنستان و توطئه‌های رومیان و تهدید کوشانیان از جانب شرق و به حمایت از بقایای دودمان اشکانی، اردشیر را وادار می‌ساخت که پیوسته از دشمنی به دشمن دیگر بپردازد و او سویی به سویی حرکت نماید و بی تردید اگر اتحادی در میان مخالفین بود تلاش اردشیر ب جایی نمی‌رسید. در این میان نفرت و انزجار اردشیر، متوجه دولتمردان و شاهزادگان اشکانی می‌گردید که علیرغم شکست سنگین آنان در جلگه هرمزدگان - همنوز - مدعی بازگرداندن قدرت به خاندان خویش بودند و نمونه‌های آن، قیام‌های بلاش پنجم و (آرتاواذ) برادر و فرزند اردوان بودند که به وسیله اردشیر سرکوب شدند. اردشیر پس از پیروزیهای اولیه در امور داخلی، دستور ایجاد کتیبه‌هایی را برای بیان چگونگی پیروزیهای خویش بر اشکانیان صادر نمود که در برخی از آنها، به موضوع سلطنت الهی خویش اشاره نمود و در عین حال تفوق سیاسی و نظامی خود را بر دولت اشکانی به تصویر کشید.

نفرت اردشیر از اشکانیان به عنوان دولتی غیر مذهبی و شکست یافته بزودی در متون تاریخی و دینی دولت ساسانی، تبدیل به نفرتی ملی گردید و این موضوع - به ویژه - در اواخر دوره ساسانی که دولتمردان دست به کار تدوین یک (تاریخ ملی) شدند، بیشتر نمایان شد. در این تاریخ نگاری ملی که همان خدای نامک‌ها (شاهنامه‌ها) بودند، حکومت اشکانی، بیش از پیش صدمه خورد و تاریخ آن مخدوش و مغلوط گردید. از آن پس نیز خدای نامه‌های دیگری نوشته شد که مؤلفین آنها برای بی اهمیت جلوه دادن خاندان اشکانی، آن عهد را دوره هرج و مرج و فساد و تباهی خواندند. حتی طرز کشتن اردوان پنجم - آنگونه که مورخین اسلامی نگاشته‌اند - و یاد کتیبه‌های اردشیر دیده می‌شود، نشان دهنده عمق کینه اردشیر نسبت به دولت اشکانی و آثار آن بود. (۲۴)

با این همه دشمنی آشکار اردشیر اول با اشکانیان و بقایای آنان بیشتر جنبه‌های سیاسی داشت و اردشیر نیز به مثابه همه فاتحان تاریخ که در سرنگونی قدرت یک سلسله به شکست

۱- غلبه اردشیر بر اردوان همه موانعی را که اردشیر گمان می‌کرد با پاپان یافتن عصر اشکانی بر آنها چیره شده است بر

نیاورده‌اند و می‌توان دریافت که اینان از محل و اهمیت کتیبه‌ها هیچگونه آگاهی نداشته‌اند. اهمیت دیگری که کتیبه‌ها دارا هستند باز نمودن بخش‌های ناگفته تاریخ ساسانی است که از نگاه مورخان خدای نامه‌ها بنا به دلایلی مورد توجه قرار نگرفته و یا به صورت عمدی از میسر توجه آنان خارج گردیده است و این احتمال نیز وجود دارد که نویسندگان خدای نامه‌ها پیش از آنکه به اهمیت رسالت تاریخی خویش واقف باشند. بنا به شرایط موجود در بیان حقایق شیوه‌های محافظه کارانه را در پیش گرفته و حکایت حماسی و تشریفاتی دربار ساسانی را بر نشر واقعیات ترجیح داده‌اند که الحق نیز چنین بوده است.

یادداشتها (اردشیر در کتیبه‌ها)

- ۱- ابن ندیم بغدادی؛ کتاب الفهرست؛ ص ۴۳۷.
- ۲- ابن ندیم بغدادی؛ کتاب الفهرست؛ ص ۴۴۶ «داوود بن عبدا... بن حمید بن قحطبه از موسی و یوسف (پسران خالد) که در خدمتش بودند برای کار ترجمه فارسی به عربی استفاده می‌نمود.
- ۳- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین: التنبیه و الاشراف، ص ۹۹.
- ۴- ویسهورفر، یوزف: ایران باستان. ص ۱۹۵-۱۹۴
- ۵- زرین کوب عبدالحسین؛ تاریخ مردم ایران قبل از اسلام ج ۱ امیرکبیر تهران ۱۳۶۸ ص ۴۲۳.
- ۶- لوکونین، تمدن ایران ساسانی، ص ۳۴.
- ۷- هر تسفلد، ارنست: تاریخ ایران بر بنیاد باستانشناسی. ص ۱۲۹ «تصویر خدایان در آغاز در یونان قدیم به شیوه شمایل نگاری (ایکونوگرافیک Iconographic) تصویر می‌شد و سپس در دوره‌های جدید، صور انسان جای آنها را در کتیبه‌ها گرفت.»
- ۸- هر تسفلد، ارنست: تاریخ ایران بر بنیاد باستانشناسی ص ۱۴۱
- ۹- واندنبرگ، لوئی: باستانشناسی در ایران ص ۲۵، همچنین، هر تسفلد، تاریخ ایران، ص ۱۴۱
- ۱۰- کخ، هایدماری: از زبان داریوش ص ۲۰
- ۱۱- گیرشمن، رمان: ایران از آغاز تا اسلام ص ۱۶.
- ۱۲- هر تسفلد، ارنست: تاریخ ایران بر بنیاد باستانشناسی ص ۳۹. همچنین لوکونین، تمدن ...

- ۱۳- هر تسفلد، ارنست: تاریخ ایران... ص ۳۸. شباهت کتیبه فیروز آباد با کتیبه داریوس اول هخامنشی در حقیق تقلید از گذشته نیست بلکه ادامه گذشته است.
- ۱۴- واندنبرگ لونی: باستانشناسی در ایران ص ۲۴.
- ۱۵- سامی، علی: تمدن ساسانی، ج ۱ ص ۸۹.
- ۱۶- ثعالبی؛ غرر الاخبار ملوک الفرس و سیرهم، ص ۳۰۷.
- ۱۷- مینوی، مجتبی: نامه تنسر به گنسنب، ص ۷۲.
- ۱۸- مشکور، محمد جواد؛ کارنامه اردشیر بابکان، ص ۱۷۷.
- ۱۹- فردوسی، حکیم ابوالقاسم؛ شاهنامه.
- ۲۰- فرای، ریچارد؛ میراث باستانی ایران ص ۳۳۳.
- ۲۱- فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران ص ۳۳۴.
- ۲۲- لوکونین، ولادیمیر: تمدن ایران ساسانی ص ۳۱۰.
- ۲۳- واندنبرگ، لوسی؛ باستانشناسی در ایران، ص ۴۸. باستانشناس بلژیکی معتقد است که کتیبه دارابگرد متعلق به شاپور اول می‌باشد و موضوع آن پیروزی شاپور اول بر امپراتور روم، والرینوس به سال ۲۶۰م است.
- ۲۴- دینوری: اخبار الطوال، ص ۶۹.
- ۲۵- ویل دورانت: تاریخ تمدن. (عصر ایمان - بخش اول) ص ۱۷۵.
- ۲۶- لوکونین، ولادیمیر: تمدن ایران ساسانی، ص ۱۹۵.

منابع کتیبه‌های اردشیر ساسانی

- ۱- ابن ندیم بغدادی: کتاب الفهرست، ترجمه رضا تجدد، امیر کبیر، تهران ۱۳۶۶.
- ۲- ثعالبی، غرر الاخبار ملوک الفرس و سیرهم، ترجمه محمد فضائلی، نشر نقره، تهران ۱۳۶۸.
- ۳- دینوری؛ اخبار الطوال، ترجمه مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران ۱۳۶۸.
- ۴- سامی، علی؛ تمدن ساسانی ج ۱. شیراز ۱۳۴۲.
- ۵- فردوسی، حکیم ابوالقاسم (شاهنامه) تصحیح؛ محمدعلی فروغی، چاپ و انتشارات جاودان.
- ۶- کخ، هایدماری؛ از زبان داریوش ترجمه پرویز رجبی، نشر کارنگ تهران ۱۳۷۶.

- ۷- فرای، ریچارد: میراث باستانی ایران ترجمه مسعود رجب نیا، علمی و فرهنگی تهران ۱۳۶۸.
- ۸- کریستن سن، آرتو: وضع و ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانی، ترجمه و تحقیق از مجتبی مینوی، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران ۱۳۷۴.
- ۹- گیرشمن، رمان: ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، نشر علمی و فرهنگی تهران ۱۳۶۸.
- ۱۰- لسترنج، گی LeStrange. Guy جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان تهران ۱۳۷۳.
- ۱۱- لوکونین، ولادیمیر: تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت ا...: رضا، نشر علمی، فرهنگی، تهران ۱۳۶۵. (نشر در کتیبه ها)
- ۱۲- مینوی، مجتبی: نامه تنسر به گشنسب، نشر خوارزمی چاپ دوم تهران ۱۳۵۴.
- ۱۳- مسعودی، ابرالحسن علی بن حسین؛ التنبیه و الاشراف، ترجمه پاینده نشر علمی و فرهنگی تهران ۱۳۶۵.
- ۱۴- محمدی ملایری، محمد: تاریخ و فرهنگ ایران، نشر یزدان، تهران ۱۳۷۲.
- ۱۵- نولدکه، تئودور؛ ایرانیان و عرب ها در زمان ساسانیان، ترجمه زریاب خوئی نشر انجمن آثار ملی بی تا
- ۱۶- واندنبرگ، لوئی؛ باستانشناسی در ایران ترجمه عیسی بهنام، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا.
- ۱۷- ویسهوفر، یوزف: ایران باستان، ترجمه مرتضی ثابت فر، نشر ققنوس تهران ۱۳۷۷.
- ۱۸- ویل دورانت، تاریخ تمدن (عصر ایمان - بخش اول) ترجمه (صارمی - پاینده، طاهری)
- ۱۹- مشکور، محمد جواد؛ کارنامه اردشیر بابکان، نشر دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۹.
- ۲۰- هرتسفلد، ارنست؛ تاریخ ایران بر بنیاد باستانشناسی ترجمه علی اصغر حکمت انجمن آثار ملی تهران ۱۳۵۴.